

در یادمان امیر پرویز پویان و یارانش!



اسکندر صادقی‌نژاد رحمت‌الله پیروندری امیر پرویز پویان

شاهنگ راد

سوم خرداد هزار و سیصد و پنجاه، امیر پرویز پویان به‌همراه رحمت‌الله پیروندری و اسکندر صادقی‌نژاد در درگیری نابرابر با مزدوارن رژیم شاهنشاهی و در خانه‌ای تیمی، جان باخت. زمانه، زمانه‌ی گسترش خفقا و بگیر و به بندها بود. چند ماهی بود که از عمر سیاهکل می‌گذشت و رژیم پهلوی سر مست از سرکوبی بانیان قهر انقلابی به‌هر دری می‌زند تا دامنه‌ی اعتراضات مسلحانه‌ی فرزندان خلق را محدود و محدودتر نماید. شاه مزدور قصد داشت تا با اختصاص دادن بودجه‌های کلان نظامی، تاریخ جنبش کمونیستی را به عقب برگرداند و مجدداً همان فضای "دیوار موش دارد، موش گوش دارد" را بر جامعه حاکم گرداند، بدون این‌که واقف گردد که فصل نوینی از جنبش کمونیستی آغاز گردیده و دستگاه‌های سرکوب‌گرش علی‌رغم در دست داشتن تمامی امکانات قادر به تخطئه‌ی مبارزات پیشاهنگان انقلاب نیستند؛ پیشاهنگی که بنابه باور امیر پرویز پویان بقای خود و عنصر مبارز را در تعرض عملی و سازمانیافته‌ی نیروی مسلح انقلاب توضیح می‌داد. انقلابی که سال‌ها بدلیل فقدان نیروی جدی در درون جامعه و بدلیل خیانت‌کاری‌های به‌اصطلاح مدافعین توده‌های محروم مختنق شده بود و فضای یأس، ناامیدی و سکون را بر جنبش‌های اعتراضی حاکم گرداند. در حقیقت دهه‌ی چهل، دهه‌ی ندانم‌کاری، تسلیم‌طلبی و بی‌عملی نیروی روشنفکر جامعه بود.

در چنین اوضاع و احوالی بود که امیر پرویز پویان به‌همراه دیگر رفقاییش تئوری نوین انقلاب را پای ریختند و در مدت زمانی کوتاه صدها کمونیست و انقلابی به‌عنوان پیشقراولان جنبش‌های اعتراضی به جنگ مدافعین مسلح نظام امپریالیستی برخاستند و متعاقباً با سازماندهی و کار بست مکانیسم‌های صحیح منطبق بر جوامعی تحت سلطه، سعی می‌نمودند تا مانعی کشف و شناسائی آسان خود، توسط ارگان‌های مخوف نظام گردند. آن دوران، دوران جنگ نوین، فیما بین کمونیست‌ها و مبارزین با ضد انقلاب حاکم بود. در همین اثناء هراس دشمن مسلح با شروع تحریکات انقلابی فرزندان محرومان دو چندان گردیده بود و به انحای گوناگون تلاش می‌ورزید تا از پای‌گیری و گسترش مبارزه‌ی مسلحانه‌ی کمونیست‌ها و انقلابیون ممانعت به‌عمل آورد. دیگر افسانه و حکایت قدر قدرتی رژیم شاهنشاهی از اذهان عمومی شکسته شد و توده به قدرت واقعی خویش واقف گردید؛ دیگر

سیاست "تعرض کنیم تا باقی بمانیم" جایگزین سیاست صبر و انتظار و مبارزه‌ی "آرام"، گردیده بود و فضای رکود و خمود جنبش کمونیستی، در هم شکسته شد و تحرک و شادابی به جای آن‌ها نشست. شاه این عنصر خود فروخته و حامی امپریالیست‌ها بخود آمد و به هر سوراخ و سنبه‌ای سرک می‌کشید و جوانان را به بهانه‌های واهی و به جرم مطالعه‌ی آثار مارکسیست - لنینیستی دستگیر می‌نمود و روانه‌ی شکنجه‌گاه‌های مخوف خود می‌نمود؛ خانه‌های تیمی را به رگبار می‌بست و در خیابان‌ها حمام خون براه می‌انداخت تا بخیال خود بتواند کمونیست‌ها را از راه انتخابی‌شان باز دارد. می‌دانست که دیوارها و دنیای خیالی و خود ساخته‌اش ترک بر داشته و ناقوس مرگ‌اش به صدا در آمده است. زمان، زمان شلیک گلوله به سمت دشمنان طبقاتی کارگران و زحمت‌کشان بود و پیشاهنگ انقلابی نمی‌توانست پیشاهنگ باشد مگر آن‌که پیشاهنگ مسلح باشد. منطق و متدی که بر جنبش کمونیستی آن‌زمان غلبه یافت و خواب آرامش همگان و از جمله "نادانان خلق" و لمیدگان درون جنبش کمونیستی - اعتراضی را بر هم زد.

حقیقتاً که دشمن هم با مواجه شدن به سیاست و روش انتخابی نیروی مدافعی انقلاب بیکار نه نشسته و هم‌زمان با پایه‌ریزی آرمان‌های تعرضی، مقاومت و فداکاری‌های فرزندان توده‌های محروم و آن‌هم در میادین متفاوت، بر فشار خود افزود و سرایسمه به شکار کمونیست‌ها و مبارزین می‌پرداخت؛ واقف گردیده بود که آتش جنگ انقلابی شعله‌ور شده است و دیر و یا زود دامان همه‌ی مزدوران را در بر خواهد گرفت؛ جنگی که برخاسته از ضرورت‌ها و در پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های عملی جامعه‌ی سراسر خشن و هار بود. بی دلیل نبود که صدها جوان کمونیست و انقلابی با تأثیر از متد مبارزاتی بنیانگذاران تئوری مبارزه مسلحانه در هر گوشه از اقصا نقاط ایران، راه و چاره‌ی کار را در جنگ با دشمن مسلح جستجو می‌نمودند و با تحرکات خود "جزیره‌ی ثبات و آرامش" ادعایی سرمایه‌داران وابسته را در هم ریختند و آهنگ آزادی و رهائی توده‌ها از زیر یوغ قداره‌بندان را، با رگبار مسلسل‌های‌شان نواختند.

با تدوین تئوری مبارزه‌ی مسلحانه و متعاقباً با عمل انقلابی پویان و دیگر رفقاییش، صف‌ها در درون جنبش کمونیستی ایران شکل گرفت و بی‌عملانی که سال‌ها کنج عزلت بر گزیده بودند را، مجبور ساخت تا به میدان آیند و بر "بی ثمری" مبارزه‌ی "خشونت‌آمیز" قلم‌فرسائی نمایند. اما دریغا که انقلاب ایران و جنبش کمونیستی مسیر صحیح خود را باز یافت و تئوری‌های کهن و خسران‌ساز آن‌را یکی پس از دیگری به کنار نهاد؛ چرا که امیر پرویر پویان و دیگر یارانش عمیقاً بر این اعتقاد بودند که تغییر جامعه و ایفای وظایف مبارزاتی بدون پای‌گذاری و کار بست عمل انقلابی، توأم با کار منظم پنهان‌کاری ناممکن می‌باشد؛ بر این اعتقاد بودند که می‌توان با توسل جستن به روش‌های مقابله‌ای، قدر قدرتی دشمن را در هم شکست و توده‌ها را به میدان اصلی مبارزه کشاند؛ بر این اعتقاد بودند که راه بسیج کارگران و زحمت‌کشان و امکان‌سازی مبارزاتی، بدون تحرک روزانه‌ی نیروی مسلح انقلاب علیه‌ی ضد انقلاب مسلح ناممکن می‌باشد؛ در بستر چنین باوری بود که عمل انقلابی را جایگزین

بی‌عملی مفرط نمودند و به اثبات رسانند که رادیکالیزه نمودن مبارزات اعتراضی توده‌ها و ثمربخشی انقلاب ایران به تدوام چنین راهی مربوط می‌باشد.

امیر پرویز پویان عمیقاً و باطناً با نظریه‌ی "تعرض نکنیم تا باقی بمانیم"، با سیاست صبر و انتظار، با فرا رسیدن "شرایط و لحظه مناسب" و با کار آشکار سیاسی در زیر سلطه‌ی دیکتاتوری خشن و عریان مرزبندی روشنی داشت و همه‌ی آن‌ها را در تقابل با رشد و بالندگی جنبش‌های اعتراضی قلمداد می‌نمود و همواره در هر عرصه‌ای از مبارزه تاکیدش بر آن بود که: «نظریه‌ی "تعرض نکنیم تا باقی بمانیم" در حقیقت چیزی جز این نیست که بگوئیم: "به پلیس اجازه دهیم تا بدون برخورد با مانع ما را در نطفه نابود کند"؛ سیاستی که متأسفانه مدت‌هاست بر جنبش‌های اعتراضی - روشنفکری ایران حاکم گردیده است و به جرأت می‌توان بر بی‌ثمری و خسران‌ساز آن در مقابل دم و دستگاه‌های سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی اشاره نمود و نشان داد که تا چه اندازه بر میزان روحیه و امکانات مبارزاتی در درون جامعه کاست.

امروزه و بویژه با تجارب بر جای مانده‌ی چندین ساله‌ی جنبش‌های اعتراضی می‌توان به این جمع‌بند دست یافت که رمز و پیروزی مبارزات توده‌ای و بقای بالنده‌ی آن در اتخاذ کدامین تئوری و راه نهفته می‌باشد؛ امروزه می‌توان به این جمع‌بند دست یافت که علیرغم اشراف به دو شرایط متفاوت تاریخی و ماهیت واحد و یکسان دولت‌های وابسته، ایده‌ی امیر پرویز پویان و دیگر یارانش، ایده‌ی تحرک، نشاط و بالندگی و سرافرازی جنبش کمونیستی و اعتراضات توده‌ای - اجتماعی‌ست؛ می‌توان به این جمع‌بند دست یافت که بدون گذر و انتخاب چنین سیاستی از جانب کمونیست‌ها و همه‌ی مدعیان منافع‌ی کارگران و زحمت‌کشان نمی‌توان چرخه‌ی انقلاب ایران را از دست‌اندازهای کنونی نجات داد. در حقیقت انقلاب ایران بدون انتخاب راه و ایده‌ی امیر پرویز پویان و یارانش ره بجائی نخواهد بُرد و مطمئناً جبر زمانه، همه را علیرغم میل باطنی‌شان به این مسیر دوران‌ساز سوق خواهد داد. به بیانی واقعی حاکمان و جانیان بشریت راه دیگری را در مقابل میلیون‌ها توده‌ی رنجبر نگذاشته‌اند و همواره با منطق و زبان زور به میدان آمده‌اند و بدون بکارگیری زبان زور، نمی‌توان آنانرا از تاج و تخت‌شان بزیر کشید و سعادت و بهروزی را برای کارگران و زحمت‌کشان به ارمغان آورد. راهی که پویان‌ها مدافعی آن بودند.

۳ خرداد ۱۳۸۸

۲۴ مه ۲۰۰۹